

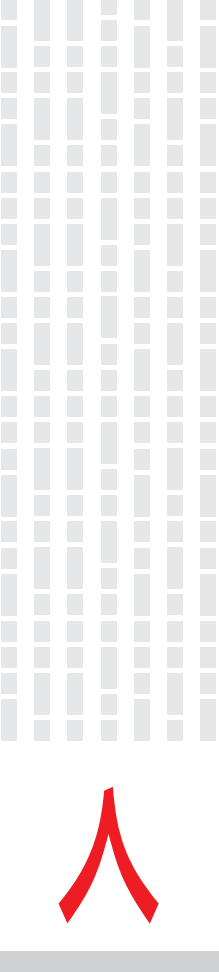
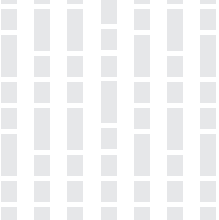
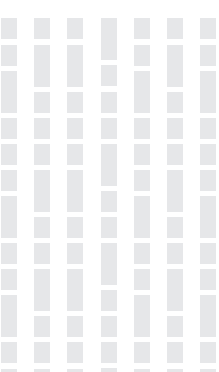
خبر

شنبه ۳۰ فروردین ۱۴۰۴

شماره ۴۳۹۰

FARHIKHTEGANDAILY.COM

FARHIKHTEGANONLINE



بررسی اوضاع داخلی رژیم صهیونیستی بر اساس موج دومینویی نامه‌های اعتراضی نظامیان عمدتاً ذخیره علیه سیاست جنگی نتانیاهو

قیام خلبانان در تل‌آویو



سیدمهدی طالبی، پژوهشگر حوزه بین‌الملل

طی دو هفته اخیر دو موضوع مهم رژیم صهیونیستی را تحت تأثیر قرار داده است؛ یکی موضوع مذاکره میان ایران و آمریکا و دومی آغاز سلسله‌وار نگارش و امضای نامه‌های اعتراضی از سسوری یگان‌های مختلف نظامی. دو هفته قبل، یک هزار خلبان و عضو نیروی هوایی رژیم صهیونیستی اعتراضات نظامیان را کلید زده و این روند به سرعت به یگان‌های زمینی و دستگاه‌های اطلاعاتی و در نهایت پلیس رسید. کار تا جایی بالا گرفته که «دانی یاتوم»، «افرام هالیوی» و «تامیر باردو» که در گذشته ریاست موساد را بر عهده داشته‌اند به همراه چند معاون سابق این نهاد و ده‌ها رئیس بخش‌های مختلف موساد نیز به اعتراضات پیوسته‌اند. بنیامین نتانیاهو، نخست‌وزیر رژیم صهیونیستی در واکنشی تند و عصبی به مخالفان، آن‌ها را به ترمد و شورش متهم کرده است. او امیدوار است با این اظهارات، مخالفان را متهم کند که درصدد ضربه به تل‌آویو و جامعه آن هم در حین جنگ هستند، با این حال فرقی نمی‌کند. در نهایت نتانیاهو برای جنگ به طبقه نظامی نیاز دارد و نمی‌تواند تا ابد در خواست آنان را نادیده بگیرد. نافرمانی نظامیان برای شرکت در جنگ، شورش آن‌ها در پایگاه‌ها و یا حتی حرکتشان به سمت کودتا سناریوهای محتمل در چنین شرایطی هستند. در رژیم صهیونیستی سناریوی کودتا احتمال پائینی دارد اما وجوهی از نافرمانی طی سال‌های اخیر دیده شده است. در صورت نافرمانی از حضور در جنگ، تل‌آویو جنگ را متوقف کرده و بحرانی که جنگ باعث سروش بر آن شده بود به سرعت وارد سطح سیاسی و اجتماعی صهیونیست‌ها می‌شود.

چه گروهی نویسنده نامه‌ها هستند؟ چه می‌خواهند؟

معتزمان معتقدند دولت باید فکری به حال اسرا کند زیرا جنگ راه‌حل آزادسازی آن‌ها نیست. به گفته این افراد ادامه جنگ برای آزادسازی اسرا پیام بدی به جامعه می‌دهد. آن‌ها از سوی دیگر اصرار دارند که جنگ بدون هدف مشخصی ادامه یافته و صرفاً بر پایه خواسته‌های شخصی نتانیاهو و احزاب راست افراطی حاضر در دولتش استوار است.

نویسندگان این نامه‌های اعتراضی چند ویژگی دارند که در ادامه مورد بررسی قرار گرفته‌اند.

۱. اکثریت با نظامیان ذخیره و بازنشسته

اکثریت غالب نویسندگان نامه از نیروهای ذخیره و بازنشسته هستند، به این معنا که به اندازه نظامیان رسمی و در حال خدمت برای آن‌ها محدودیت وجود ندارد. طرد این سه سال آتقدیری معترض با تجربه حول قضیه جنگ در جامعه ساخته به غیر از تفاوت قوانین برای نظامیان رسمی با نظامیان ذخیره یا بازنشسته، حتی اگر نظامیان رسمی اجازه انتقاد داشته باشند، به دلیل اثرات آن بر ارتقایشان از این کار خودداری می‌کنند. این انتقادات می‌تواند به تنزل درجه یا جلوگیری از ارتقای آن‌ها منجر شود. این موضوع حکایت از آن دارد که پدیده کنونی هنوز به سطح یک نافرمانی نظامی نرسیده است.

۲. یگان‌های نخبه

نیروی هوایی با توجه به ابزار آلات، گزینش سخت‌تر و آموزش بالاتر اعضا در میان دیگر قوای نظامی، نیرویی نخبه به حساب می‌آید. در این نیرو عالی‌ترین بخش نیز مربوط به خلبانان است. در دوره جدید شاید اولین دسته‌ای که اعتراض را شروع کرد یا به معنای دیگر باعث برجسته‌تر شدن اعتراض نظامیان در دوره اخیر شد، مربوط به نامه خلبانان می‌شود.

گروه‌های دیگری نیز که به اعتراض پیوسته‌اند، شامل یگان‌های نخه می‌شوند. یگان گولانی مشهورترین و برترین تیپ زمینی ارتش رژیم صهیونیستی است. واحدویژه شلداگ گروه دیگری است که در اعتراضات نمود داشته است. بر خلاف یگان‌های عادی، نظامیان ذخیره یا بازنشستگان یگان‌های نخبه اثر بزرگی بر افکار عمومی و یگان‌های محل خدمت خود دارند.

۳. حضور قوای اطلاعاتی و امنیت

علاوه بر قوای نظامی در این تیپ عناصری از سازمان اطلاعات ارتش موسوم به آمان و موسسات نیز در میان معترضان هستند. این مسئله در حالی رخ می‌دهد

که روابط شایاک با نخست‌وزیری نیز شکر آب شده است. جالب آنکه نیروهای پلیس نیز به اعتراضات پیوسته‌اند.

مجموعه فشارهای پایان جنگ

عوامل فشار آورنده به نتانیاهو برای اتمام جنگ همواره در طول جنگ وجود داشته‌اند، اما مهم آن‌که با وجود تضعیف ظاهری برخی، بر عمق آن بحران افزوده شده است. به عنوان نمونه تعداد اسرا کاهش یافته است اما وقت‌کشی‌های نتانیاهو

برای آزادسازی آن‌ها، بر عمق بحران اسرا افزوده است.

فشار نظامیان خود حول قضیه نتایج جنگ و مسئله اسرا جریان پیدا کرده اما با این وجود نمی‌توان آن را ذیل این دو موضوع دسته‌بندی کرد. باید وضعیتی را فرض کرد که در آن تمام اسرا آزاد شده و این پرونده بسته شود و همچنین افعی برای یک نتیجه بزرگ در جنگ با غزه برای رژیم صهیونیستی گشوده شود؛ آیا در این شرایط اعتراض نظامیان پایان خواهد یافت؟ آشکار است که در صورت پدیدار شدن افعی برای گشایش در نتیجه جنگ، این مسئله به معنای حصول آن نتیجه نیست، زیرا احتمال دارد زمان رسیدن به نتیجه آتقدری زیاد باشد که جامعه و طبقه نظامی کنشش آن را نداشته باشند و یا آنکه احتمال تغییر صحنه وجود داشته باشد. چه تضمینی وجود دارد که در هنگام نزدیک شدن به نتیجه سیاسی برای جنگ غزه، طوفانی دیگر از سمتی دیگر به راه بیفتد؟

این فضا حکایت از آن دارد که نظامیان بر بست در جنگ را عمیق‌تر از آن می‌دانند که قابل حل باشد.

۱. کاهش پایداری داخلی

کاهش پایداری داخلی متأثر از شواری‌های جنگ است. اگر جنگ بر اساس محاسبات ذهنی در سیاست و امنیت سودمند به نظر برسد، هزینه‌هایش مانند تلفات و بحران اقتصادی می‌تواند به بریدن جامعه منجر شده و ترمز جنگ کشیده شود.

۲. شکاف‌ها

شکاف‌ها به طور کامل بر اثر کاهش پایداری ایجاد نشده‌اند. شاید یک وجه جنگ شکاف میان کسانی باشد که از جنگ بریدن‌اند با کسانی که همچنان قادر به ادامه تحمل شرایط هستند. با این حال این موضوع شکاف فراتر از این هاست. بخش مهمی از شکاف‌ها به درک دورویی هادر مسیر جنگ بستگی دارد. قسمتی از جامعه و احزاب رژیم نتانیاهو را متهم می‌کنند که جنگ را صرفاً بر اساس اهداف شخصی ادامه می‌دهد.

۳. فشارهای غربی

گرچه دیگر همانند مقاطع اولیه جنگ خبری از اعتراضات گسترده نیست، اما در طول این سه سال آتقدیری معترض با تجربه حول قضیه جنگ در جامعه ساخته شده است که کار تل‌آویو همچنان آسان نباشد. این مسئله جوامع غربی را همچنان تحت الشعاع قرار داده و زمینه‌ساز فشار به سیاستمداران است.

دولت ترامپ تلاش کرده با کاهش بودجه دانشگاه‌ها آن‌ها را در قضیه حمایت از فلسطین مجازات کند اما نتیجه آن مهاجرت برخی از دانشجویان و استادان به دانشگاه‌های کانادا و بروز اعتراضات سیاسی سطح بالا بوده است. این مسئله باعث شد تا باراک اوباما، رئیس جمهور اسبق آمریکا در یکی از اولین انتقادات مهم و پرسروصدای خود از ترامپ در طول دوره دوم ریاست‌جمهوری‌اش، وی را در قضیه فشار به دانشگاه‌ها و مسدودکردن آزادی بیان، سیبل حمله کند.

۴. فشار ایران

ایران برای عملیات وعده‌صادق۳۳ آماده می‌شود و آشکار است که این عملیات‌ها، به‌ویژه از وعده‌صادق۲۳ به‌عنوان آتش‌تهییه برای مقاومت در منطقه شامات نیز عمل می‌کنند. آنگونه که مقامات نظامی ایران گفته‌اند، آمادگی‌هایبرای عملیات احتمالی وعده‌صادق۳۳ به میزان چند برابر عملیات‌های پیشین تدارک دیده شده است.

چه عواملی به طبقه نظامی فشار می‌آورد؟ دلایل کمبود نیرو در ارتش و افزایش فشار بر نظامیان چیست؟

به عنوان نمونه، به عنوان نمونه غزه همواره جبهه‌ای فعال یا نیمه‌فعال بوده است، اما هیچ‌گاه برای آن این میزان نیرو اختصاص نمی‌یافت. موضوع دیگر به افزایش محیط‌های عملیاتی مربوط است. طی یک‌دویم دهه گذشته پیش از جنگ طوفان الاقصی، مرزهای لبنان وسوریه همواره محیطی غیرجنگی بودند اما در حال حاضر و با وجود آتش پس در لبنان و سقوط سوریه، این دو مرز محیطی عملیاتی هستند. در سوریه این مسئله واضع‌تر است. تا روزهای آخری که اسد در دمشق قدرت داشت، مرز سوریه محیطی عملیاتی نبود اما با سقوط او این کشور به دودلیل تبدیل به محیطی نظامی شد: نخست‌بی‌اعتمادی به تروریست‌های قدرت‌گرفته در دمشق و دوم سوءاستفاده تل‌آویو از سقوط نظام سیاسی برای پیشروی در جنوب سوریه.

است. جنبه دوم به ناامنی بر اثر موشک‌باران‌های یمن مرتبط است. جنبه سوم

۱۷کتبر شدند، نمی‌توانستند در جایگاه طلبکار نشسته‌وس از یک شکست بزرگ، خواهان پایان جنگ نیز بشوند. با این حال جنگ در حال حاضر از رسوایی ۷ اکتبر عبور کرده و بیشتر بر عدم آزادسازی اسرا استوار شده است. اینکه رژیم در یک اشتباه یک روزه ۲۵۰ اسیر به حماس داد یک مسئله است و آنکه طبقه سیاسی طی سه سال گذشته با اصرار به جنگ مانع آزادی تمام آن‌ها شده، موضوعی دیگر به حساب می‌آید که اهمیتی بیشتر یافته است.

۱. تلفات

تعداد کشته‌ها وزخمی‌های رژیم در جنگ به ۱۵ هزار نفر می‌رسد. تمام این افراد از نظامیان رسمی نبوده و بخش قابل توجهی از آنان به سر بازان ذخیره مربوطند اما مقایسه با ابعاد ارتش می‌تواند راهگشا باشد. تعداد نظامیان رسمی ارتش رژیم به ۱۷۰ هزار نفر می‌رسد که تلفات جنگ معادل ۹ درصد یا یک‌دهم این تعداد است. اگر تعداد ۲۲۰ هزار نظامی فراخوان شده به تعداد نظامیان رسمی افزوده شوند، تعداد نفرت ارتش به ۳۹۰ هزار نفر می‌رسد. در این صورت نیز تلفات جنگ معادل ۴ درصد کل نفرت ارتش است. تلفات گسترده در صفوف نظامیان عامل مهمی در رویگردانی آنان از جنگ است.

۲. کاهش کارآمدی بر اثر فرسایش روانی

کاهش کارآمدی نظامیان صهیونیست ناشی از آمادگی و حضور جنگی پیوسته طی سه سال گذشته در جبهه‌های مختلف است. این آمادگی طولانی مدت باعث بروز فرسایش روانی در میان نظامیان رژیم شده است.

۳. خودداری از پیوستن به فراخوان نیروهای ذخیره

نسبت به ابتدای جنگ که فراخوان نظامیان ذخیره با استقبال مواجه‌شد امروزه این تمایل کاهش یافته است. در فراخوان‌های اولیه علاوه بر ساکنان سرزمین‌های اشغالی هزاران نفر از صهیونیست‌هایی که در خارج حضور داشتند نیز برای خدمت نظامی خود را به ارتش معرفی می‌کردند.

۴. افزایش نیازها و محیط‌های عملیاتی

افزایش نیاز به نیروهای نظامی ورشد محیط‌های عملیاتی تأثیر شگرفی بر کمبود نیرو داشته‌اند. به عنوان نمونه غزه همواره جبهه‌ای فعال یا نیمه‌فعال بوده است، اما هیچ‌گاه برای آن این میزان نیرو اختصاص نمی‌یافت. موضوع دیگر به افزایش محیط‌های عملیاتی مربوط است. طی یک‌دویم دهه گذشته پیش از جنگ طوفان الاقصی، مرزهای لبنان وسوریه همواره محیطی غیرجنگی بودند اما در حال حاضر و با وجود آتش پس در لبنان و سقوط سوریه، این دو مرز محیطی عملیاتی هستند. در سوریه این مسئله واضع‌تر است. تا روزهای آخری که اسد در دمشق قدرت داشت، مرز سوریه محیطی عملیاتی نبود اما با سقوط او این کشور به دودلیل تبدیل به محیطی نظامی شد: نخست‌بی‌اعتمادی به تروریست‌های قدرت‌گرفته در دمشق و دوم سوءاستفاده تل‌آویو از سقوط نظام سیاسی برای پیشروی در جنوب سوریه.

نکات

۱. آغاز و ادامه جنگ بدون تبعات نیست. رهبران باید جوابگوی سیاست‌های خود در جنگ باشند. نه دشمن آن‌ها را راه می‌کند و نه ساکنان که هزینه‌های جنگ را داده‌اند. از این رو نحوه تعامل دولت و سیاست به امر مشکلی تبدیل می‌شود. تل‌آویو در تمام این مدت با بی‌تعادلی سیاست و جامعه روبه‌رو بود. آنچه در اوایل این جنگ مانع از آشکار شدن این عدم تعادل می‌شد، هیجان و شوک ناشی از ۷ اکتبر بود.

۲. جنگ‌های بزرگ که نیازمند بسیج گسترده و سرپاگیری از جامعه هستند، باعث پیوند جامعه با طبقه نظامی می‌شوند. این در حالی است که طبقه نظامی که از نخستین آثار مکتوب فلسفی طبقه‌ای مجزا در سطح جامعه تلقی شده، دارای مختصات مخصوص به خود است. الحاق جامعه با افکار و تنوع‌های شخصیتی‌اش به طبقه نظامی، خطراتی دارد زیرا برخی از روجه‌ها با جنگ و مشغله نظامی هماهنگ نیستند. این اقشار قادر به انطباق طولانی مدت با محیط نظامی آن هم در سطح جنگ نیستند.

۳. جامعه رژیم صهیونیستی از چند سو با فشارهای ناشی از جنگ روبه‌روست. یک جنبه به فراخوان‌های فراخوان ذخیره مربوط است؛ این فراخوان‌ها با سرپاگیری افراطی از جامعه، زندگی صهیونیست‌ها را تحت فشار قرار داده است. جنبه دوم به ناامنی بر اثر موشک‌باران‌های یمن مرتبط است. جنبه سوم

بررسی اوضاع داخلی رژیم صهیونیستی بر اساس موج دومینویی نامه‌های اعتراضی نظامیان عمدتاً ذخیره علیه سیاست جنگی نتانیاهو

مشکلات اقتصادی ناشی از هزینه‌های جنگ است. جنبه چهارم معضل رشد مخالفت با صهیونیسم در جهان است که سفر شهروندان رژیم را با اختلال روبه‌رو کرده است. حتی برخی از یهودیان غرب‌نشین نیز نگاه مناسبی به یهودیان ساکن سرزمین‌های اشغالی ندارند و این مسئله در سایه جنایت‌ها در غزه افزایش پیدا کرده است. این یهودیان با چشم خود خوری وحشیگری سربازان و جامعه رژیم را دیده و تفاوت خود با آن را بیشتر از گذشته حس می‌کنند. فشارهای همه‌جانبه به جامعه رژیم، حتی در چهارچوب یهودیان جهان، موضوعی است که آن را به

واکنش‌های مختلفی واداشته است. گروهی از غیرنظامیان ذیل در خواست اسرا برای اعتراض صرفاً به خیابان‌ها می‌آیند و گروهی دیگر ذیل عنوان نظامیان ذخیره، با نام‌نگاری در این باره به دنبال پایان جنگ هستند.

۴. معترضان فعلاً ضد نتانیاهو هستند و خشمشان به جایی نرسیده که زیر میز زده و به سمت ایجاد شورش نظامیان گام بردارند؛ موضوعی که می‌تواند فراتر از نتانیاهو، امنیت ملی را هدف قرار گیرد. با این حال وقایع کنونی، رژیم صهیونیستی را یک گام به چپین وضعیتی نزدیک‌تر کرده‌اند.

۵. ارتش رژیم در حال حاضر همانند مراحل قبلی جنگ نیازی به سرباز ندارد. در مرحله کنونی جنگ غزه، بیشتر بار جنگ بر دوش نیروی هوایی است. به همین دلیل تل‌آویو فعلاً لزومی به فراخوان گسترده نیروهای ذخیره احساس نمی‌کند. شاید این نحوه از جنگیدن از روی ناچاری انتخاب شده تا بحران سربازان ذخیره بر ملا نشده و روی ریل دیگری قرار بگیرد.

۶. علی‌رغم اکثریت نظامیان ذخیره و بازنشستگان در میان افراد معترض، تقریباً از هر ۶ نفر، یک نفر نظامی فعال نیز در میان امضانندگان نامه‌ها وجود دارد. این مسئله از آنجا اهمیت دارد که این افراد با وجود محاسبه امکان برخورد با خود وارد این قضیه شده‌اند.

۷. ارتش رژیم در مرحله کنونی جنگ و با وجود حفظ شرایط آمادگی، اما در میدان رزم قرار ندارد. به نظر می‌رسد اعتراض نظامیان به ویژه در بخش زمینی برای خودداری از ورود زمینی مجدد به شکل سابق در غزه باشد. این ورود پیش از این عامل تلفات صهیونیست‌ها در جنگ سه سال اخیر بوده است.

۸. راست‌گرایان در جامعه رژیم صهیونیستی اکثریت داشته و متمایل به جنگ هستند. این مسئله نشان می‌دهد اکثریت نظامیان ذخیره شاید مدافع ادامه جنگ باشند. نتانیاهو با فراخوان‌هایی با تعداد اندک قادر به ادامه جنگ و جلوگیری از افشای مشکل در بخش نظامیان ذخیره خواهد‌شد اما اگر کار به فراخوان‌های گسترده بکشد، این نافرمانی رخ‌نمایی بیشتری خواهد داشت.

۹. اعتراضات اخیر در طبقه نظامی و اطلاعاتی همانند دومینو به سرعت فراگیر شده و با آغاز از نیروی هوایی و رسیدن به موساد، عناصری از پلیس نیز به قضایا پیوسته‌اند. دومینوار شدن اعتراضات در رژیم صهیونیستی و رویه شدن آن پدیده‌ای خطرناک برای نتانیاهو است.

۱۰. اگر اعتراضات نظامیان به مرحله خطرناکی برسد احتمال دارد دولت نتانیاهو برای توقف آن به سمت حرکت‌های دیوانه‌وار مانند ترور علیه مقامات ایران و یا توسعه جنگ حرکت کند.

۱۱. دولت‌هایی که با جنگ روبه‌رو می‌شوند، تا مدت‌ها تحت تأثیر نظامیان قرار می‌گیرند. شورش نظامیان در روسیه و آلمان در جنگ جهانی اول باعث شکست کشور هایشان در جنگ‌شد. شورش واکنر هادر روسیه به عاملی برای سرشکستگی مسکو تبدیل شد. درس دیگر جنگ در روسیه، تغییر فعالیت الیگارش‌های تجاری و خدماتی به فعالان نظامی بود. آمریکا و انگلیس نیز در بی جنگ‌های افغانستان و عراق دچار تغییراتی در فضای سیاسی خود شدند؛ ایضاً فرانسه که متأثر از وقایع نظامیان در جریان استقلال الجزایر شد.

محیط‌سیاسی و اجتماعی رژیم صهیونیستی در سال‌های پیش رو بیشتر از گذشته تحت تأثیر نظامیان قرار خواهد گرفت. این موضوع تاکنون به دلیل تسلط پیش از اندازه نظامیان بر صحنه سیاسی رژیم تاکنون رخ‌نمایی کمی داشته اما با لآخره خود رانشان خواهد داد. این اثرگذاری البته به معنای بهبود جایگاه نظامیان نیست، بلکه جامعه حول مسئله آن‌ها شکل خواهد گرفت؛ شاید حول مسئله نظامیان، جامعه رژیم به سمت رویگردانی از حساسیت‌های خود در سیاست برود و یا شاید جامعه حضور نتانیاهو با سواقی نظامی اندک در تعامل تضعیف ارتش تشخیص داده و بار دیگر به سمت ریاست ژنرال‌ها بر دولت سوق یابد.

می‌داند، اما توجفدل باور دارد که مذاکره در نهایت به نفع اسرائیل نیست. آوی کوهن، روزنامه‌نگار اسرائیل هیوم، معتقد است که مذاکرات سیاسی میان طرف ایرانی و آمریکایی برای اسرائیل بسیار خطرناک است، زیرا آمریکا خواستار نابودی تأسیسات هسته‌ای ایران نشده و همچنین نتانیاهو از همراه کردن دونالد ترامپ برای حمله نظامی به ایران عاجز است– و کسی دیگر در کاخ سفید برای حمله نظامی به ایران مشتاق نیست.

ایل استا، تحلیلگر سیاسی اسرائیل هیوم، مدعی است که این رژیم یک عملیات پیچیده نظامی برای حمله به تأسیسات اتمی ایران آماده کرده‌بود، اما ترامپ اجازه این حمله را به اسرائیل نداده و این تحلیلگر ادعا می‌کند مشاوران ارشد ترامپ، که شامل تلسی گابارد، مدیر اطلاعات ملی، وزیر دفاع پیتر هگست، معاون رئیس جمهور جی دی ونس، سوزی وایلز، رئیس ستاد ارتش و مایکل والترز، مشاور امنیت ملی ترامپ هستند، را از مخاطرات این حمله مطلع کرده‌اند و سرانجام ترامپ خود راه مذاکره برای حل مشکلات با ایران را انتخاب کرده است.

برآیند رسانه‌ها

با مطالعه اخبار و تحلیل رسانه‌های اسرائیلی متعلق به جناح‌های مختلف سیاسی، می‌توان به این نتیجه رسید که همگی تقریباً باور دارند که نخست‌وزیر دیگر نفوذ و کارایی خود در کاخ سفید و به‌خصوص نزد دونالد ترامپ را ندارد، زیرا ترامپ و حلقه مشاورانش اجازه آنچه را که حمله نظامی به ایران می‌خوانند به اسرائیل نداده و راه مذاکره را برگزیده‌اند. رسانه‌ها و افکار عمومی باور دارند که و یتکاف فردی غیر متخصص برای رهبری این مذاکرات است و نکته بسیار مهم این است که همگی فکر می‌کنند که ترامپ خواهان تعطیلی کل برنامه هسته‌ای ایران باشد نه محدود کردن آن. به همین دلیل رسانه‌ها و افکار عمومی تا حدودی اعتقاد خود به دونالد ترامپ را از دست داده‌اند و باور دارند دیگر یکی از بازیگران تعیین‌کننده میان سیاست‌های تهران و واشنگتن نیستند.

برگردیم به این سؤال که آیا اضطراب فضای رسانه‌های صهیونیستی را ژر کرده‌است؟ با توجه به دور اول مذاکرات، نمی‌توان با قاطعیت گفت که فضای رسانه‌ای رژیم اسرائیل مضطرب است، اما اگر روند این گفت‌وگوها در دور دوم همچنان مثبت باشد، قطعاً فضای رسانه‌ای و اجتماعی رژیم اسرائیل با اضطراب فراینده‌ای آینده تحولات میان ایران و آمریکا را دنبال خواهد کرد.

مذاکرات ایران و آمریکا زیر ذره‌بین رسانه‌های اسرائیلی

همچنین هورویتز این مذاکرات را بسیار خطرناک می‌داندو معتقد است مشکلات ایران و آمریکا از طریق مذاکره قابل حل نیست. اکوب مجید، رئیس دفتر آمریکایی تأیمز اسرائیل، معتقد است روندی که آمریکا در مذاکرات پیش گرفته است، کاری به پیش نمی‌برد، زیرا هدف آمریکا برچیدن یا نابودی کل ساختار هسته‌ای ایران نیست و آمریکا فقط قصد دارد که غنی‌سازی را تا حدی محدود کند. مجید باور دارد از بین بردن تمام ساختار هسته‌ای ایران به نفع اسرائیل نیست و این یک تهدید وجودی برای اسرائیلی‌ها تلقی می‌شود.

جروزالم پست: این روزنامه یکی از منابع خبری مهم در اسرائیل است و به زبان انگلیسی چاپ و منتشر می‌شود. این روزنامه به جناح راست میانه گرایش دارد و معتقد به جدایی دین از سیاست است. فرانتزن.ام: خبرنگار و تحلیلگر ارشد خاورمیانه در جروزالم پست، باور دارد که روند مذاکرات مثبت بوده، اما ایران سعی دارد زیاد خود را مشتاق نشان ندهد و همچنین از اینکه آمریکا برنامه‌ای برای تعطیلی کل ساختار هسته‌ای ایران ارائه نداده، متعجب است. آموتز آسآل، روزنامه‌نگار جروزالم پست، باور دارد که جادوی نتانیاهو تمام‌شده و دیگر او بر روی آمریکا‌ها نمی‌تواند تأثیر داشته باشد. به عقیده این روزنامه‌نگار، ترامپ قدیمی مرده است و مردم اسرائیل ترامپ جدید را نمی‌شناسند، زیرا آن‌ها کاملاً باور دارند هرگونه مذاکره بی‌فایده است و بازنده اصلی این مذاکرات اسرائیل و بنیامین نتانیاهو است. از نظر آسآل، این مذاکرات به هیچ‌عنوان نباید شروع می‌شد و ایران در نهایت همچنان برنامه هسته‌ای خود را حفظ می‌کند و قدرتی بیش از پیش در منطقه خواهد داشت.

اسرائیل هیوم: پرتیراژترین روزنامه به زبان عبری در اسرائیل متعلق به اسرائیل هیوم است؛ این روزنامه به‌صورت رایگان در دسترس عموم قرار می‌گیرد. با استناد به اطلاعات موجود از این رسانه، سر مایه‌گذاران اصلی این رسانه خبری از دوستان نزدیک بنیامین نتانیاهو هستند.

متی توجفدل، روزنامه‌نگار ارشد بخش سیاسی اسرائیل هیوم، در گزارشی مدعی شده که در داخل کاخ سفید دسته‌ای از سیاستمداران قدرتمند آمریکایی اجازه حمله نظامی اسرائیل به ایران را نمی‌دهندو این سیاستمداران ترامپ را قانع کرده‌اند که رئیس‌جمهور آمریکا راه‌حل دیپلماتیک با ایران را در پیش گیرد. ترامپ نیز به دلیل پیچیده‌شدن اوضاع در درون کاخ سفید، خودنیز راه‌حل مذاکره را منطقی‌تر

هاآرتص: این روزنامه قدیمی‌ترین روزنامه چاپی اسرائیل است و گرایش سیاسی آن چپی است. در این روزنامه یک بخش وجود دارد که مسائل مربوط به ایران را به‌صورت تخصصی پوشش می‌دهد و همچنین در سایت این روزنامه نیز یک بخش به مسائل ایران اختصاص داده شده است.

هاآرتص در یک گزارش اختصاصی مدعی شده که استیو ویتکاف پیش‌نویسی به ایران ارائه داده که شامل برچیدن برنامه هسته‌ای ایران نمی‌شود و اکثر تحلیلگران زوی بارنل، تحلیلگر امور خاورمیانه در روزنامه هاآرتص، مذاکرات ایران و آمریکا را به یک بازی شرطین تشبیه کرده و معتقد است که این مذاکرات فضای خوش‌بینانه‌ای میان دو کشور ایران و آمریکا ایجاد کرده، اما مسائل اصلی در جلسه بعدی مذاکرات در روز ۳۰ فروردین مطرح خواهد شد.

آموس هارل، تحلیلگر نظامی هاآرتص، باور دارد که نتانیاهو راضی به مذاکرات نبوده و نخست‌وزیر اسرائیل مجبور شده که پذیرد طرف ایرانی و آمریکایی برای حل مشکلات بر سر یک میز بنشینند. همچنین هارل تأکید دارد که نتانیاهو دیگر بازیگر مهمی در روابط میان ایران و آمریکا نیست. تحلیلگر نظامی در موردروند مذاکرات نیز باور دارد کارشناسان آمریکایی خوب عمل نکرده‌اند و این روند به ضرر آمریکا است.

چاک فریلیچ، معاون سابق مشاور امنیت ملی در اسرائیل، یکی از نویسندگان اصلی هاآرتص است. به باور چاک فریلیچ، نتانیاهو می‌خواهد با ایران بجنگد، اما توافق ترامپ برای اسرائیل بسیار می‌تواند بهتر از جنگ باشد. او مذاکرات را سازنده توصیف کرده است.

تایمز اسرائیل: تایمز اسرائیل یک روزنامه مستقل چندزبانه آنلاین و یکی از بزرگ‌ترین منابع خبری یهودی –اسرائیلی به زبان انگلیسی از نظر تعداد مخاطب است. این روزنامه مهم مذاکرات ایران و آمریکا را به شکلک و ویژه‌ای پوشش داده است.

دیوید هورویتز، سردبیر تایمز اسرائیل و مؤسس این روزنامه، در گزارشی طولانی مذاکرات را بررسی کرده‌است. آنچه‌که در جهت‌گیری سردبیر این روزنامه بسیار حائز اهمیت است، انتخاب ویتکاف از طرف رئیس‌جمهور آمریکا است. به باور سردبیر، ویتکاف فردی غیر حرفه‌ای برای این کار است و به‌طور مشخص حضور نماینده ویزه ترامپ در امور خاورمیانه را برای این مهم به نفع اسرائیل نمی‌داند.

سیدسالار رحیمی خبرنگار

«دست خالی به خانه بازگشت» این تیترو بود که یکی از رسانه‌های نزدیک به حزب‌دموکرات در موردسفر اخیربنیامین نتانیاهو، نخست‌وزیر رژیم صهیونیستی به کاخ سفید به کار برد. سفر نتانیاهو به واشگتن، علی‌رغم دفعات قبلی، هیچ دستاورد خاصی برای نتانیاهو و رژیم اسرائیل نداشت. نخست‌وزیر اسرائیل در این سفر بسیار علاقه‌مند بود تا ایالات متحده را قانع سازد آنچه را که دستور حمله به تأسیسات اتمی ایران می‌خواند، دریافت کند، اما این اتفاق رخ نداد و در عوض دولت آمریکا تصمیم گرفت تا در چند دور مذاکرات دیپلماتیک با سیاستمداران ایرانی، راه‌حلی را برای رفع مشکلات با ایران پیدا کنند. مذاکرات ایران و آمریکا روز شنبه (۲۳ فروردین) در مسقط، پایتخت عمان، برگزار شد. اولین دور از این مذاکرات، باتم ایرانی و سرپرستی سید عباس عراقچی، وزیر خارجه و تیم آمریکایی باسرپرستی استیو ویتکاف، نماینده ویژه دونالد ترامپ در امور خاورمیانه، همراه با میانجی گری دولت عمان، انجام شد. طرف ایرانی و آمریکایی هر دو از اولین دور مذاکرات راضی بودند و آن را سازنده و مثبت خواندند، اما اوضاع برای رژیم اسرائیل آنگونه که می‌بایست باشد، نبود. تنها پنج کلمه (دست خالی به خانه بازگشت) برای نتانیاهو و رژیم اسرائیل کافی بود تا اوضاع در رسانه‌های اسرائیل به گونه‌ای دیگر رقم بخورد و آن‌ها مذاکرات ایران و آمریکا را به شیوه‌ای حساس‌تر از گذشته پیگیری کنند و نتایج آن را بازتاب دهند. در این نوشتار به جهت‌گیری رسانه‌های اسرائیلی در مورد مذاکرات ایران و آمریکا می‌پردازیم و همچنین به این سوال پاسخ می‌دهیم که آیا اسرائیلی‌ها از وضعیت مذاکرات نگران هستند یا خیر؟ و وضعیت خود را در میانه این دور از گفت‌وگو‌ها چگونه ارزیابی می‌کنند؟

آیا اضطراب فضای رسانه‌های اسرائیل را پر کرده‌است؟

رسانه همواره یکی از مؤلفه‌های بسیار مهم در حوزه امنیت ملی بوده، زیرا آنچه‌که در رسانه‌ها می‌گذرد و نوع بازتاب آن برای مردم جامعه بسیار تعیین‌کننده است. اکنون جهت‌گیری چند رسانه و خبرگزاری مهم اسرائیلی را در مورد مذاکرات ایران و اسرائیل بررسی می‌کنیم.